

قائم‌مقم بانک مرکزی:

افزایش کفایت سرمایه بانک‌های دولتی نیاز به کمک دولت دارد



قائم‌مقام بانک مرکزی با تاکید بر اینکه افزایش کفایت سرمایه بانک‌های دولتی نیاز به کمک دولت دارد، گفت: باید اثرات منفی رشد پایه پولی را عقیم‌سازی کنیم.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، اصغر ابوالحسنی در سی و سومین همایش سیاست‌های پولی و بانکی که در سالن همایش‌های بانک مرکزی برگزار شد اظهار کرد: هدف همایش‌های سالانه ما، جمع‌بندی نظریات و استفاده عملی از آنهاست؛ در این همایش دو هدف مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی از سوی اقتصاددانان راهکارهایی ارائه شده است.

قائم‌مقام بانک مرکزی افزود: تورم عللی دارد باید این علل بررسی شود که در سه دسته قابل بررسی هستند:دسته اول مربوط به بخش پولی، بانکی، خلق نقدینگی و بخش تقاضای اقتصاد است که در اختیار بانک مرکزی و شبکه بانکی است چنانکه خلق پول بیشتر مورد نیاز باشد که روی همین «میزان لازم» هم اتفاق نظر نیست.وی افزود: برخی می‌گویند همین میزان نقدینگی زیاد است اما برخی می‌گویند نسبت به جی‌دی‌پی کم هم هست.

ابوالحسنی ادامه داد: باید نقدینگی موجود را اهرم کنیم تا چند برابر آنچه هست مورد استفاده قرار گیرد که با کمک وزارت اقتصاد ابزارهایی مثل اوراق گام طراحی شده که در ابتدای زنجیره تولید تریق می‌شود.

قائم‌مقام بانک مرکزی افزود: ابزار دوم ال‌سی‌های ریالی است که رقم آن را افزایش داده‌ایم و هر چه قدر بانک‌ها نیاز داشته باشند می‌توانیم افزایش دهیم اما بانک‌ها باید مراقب ریسک اعتباری خود باشند. وی ادامه داد: ابزار سوم برات الکترونیکی است که از سال گذشته در دولت چهاردهم شروع شده اما هنوز در بانک‌ها و بخش تولید جا نیفتاده است.

قائم‌مقام بانک مرکزی بیسان کرد: باید اثرات منفی رشد پایه پولی را عقیم‌سازی کنیم و ما و دولت تلاش کنیم انتظارات قیمتی کنترل نشود تا مشکلات عرضه، تشدید نشود؛ در غیر این صورت سیاست‌های پولی ما در کنترل رشد نقدینگی موثر نخواهد بود.

وی عامل سوم در ایجاد تورم را بخش عرضه اقتصاد عنوان کرد و افزود: چنانچه دولت انقباض ۱۰۰ درصدی مالی داشته و برای تامین پول فشار نیاورد، این عامل هم کنترل می‌شود البته در طول جنگ رمضان همکاری خوبی با دولت داشتیم برای پرداخت حقوق اسفند در راه داشتیم با از طریق پول بانک مرکزی و تنخواه عمل می‌کردیم یا از طریق سپرده‌های دولت که روش دوم انتخاب شد و تا آخر اسفند اغلب آن برگشت.

ابوالحسنی تصریح کرد: تأمین مالی صرف از طریق خلق پول بانکی الزاماً به رشد غیر تورمی نمی‌انجامد؛ ابزارهای مختلفی برای تامین مالی غیر تورمی داریم لذا به جای تأمین مالی بانکی از سایر روش‌ها مانند بازار سرمایه یا اوراق صکوک اسلامی بهره‌مند شویم.

قائم‌مقام بانک مرکزی ادامه داد: بنابراین ظرفیت‌های نهاد‌های مالی، منابع صندوق توسعه ملی به صورت مشروط و ... از سایر ابزارهای تأمین مالی است.

وی تاکید کرد: همچنین تجمع منابع صندوق هایی که پول دارند ولی جزیرهای عمل می‌کنند از دیگر روشهای تأمین مالی است منوط به اینکه در دوره بازسازی آمایش سسرزمینی مبتنی بر اولویت‌ها را داشته باشیم.

ابوالحسنی خاطر نشان کرد: چون تورم بالاست و در مقابل نرخ سودها بهینه نیست، لذا همه دنبال پول هستند ولی اینکه در کجا استفاده شود جای دقت نظر بیشتری دارد.

وی گفت: در بانک‌های دولتی بحث کفایت سرمایه جدی گرفته شود؛افزایش کفایت سرمایه بانک‌های دولتی نیاز به کمک دولت دارد و باید به بالای ۸، ۱۰ و ۱۲ برسد. باید کمک کنیم اتحادی که در خیابان و میدان هست به بخشهای ارزی و تجاری هم مرتبط شود.



سرتیبه
گروه گزارش – حمید الماسی نیا – جنگ‌ها معمولاً زیرساخت‌ها را تخریب می‌کنند، اما در عین حال فرصت بازتعریف مسیر توسعه را نیز فراهم می‌آورند و در شرایط پساجنگ، کشورها ناگزیرند میان بازگشت به الگوهای گذشته یا حرکت به سوی مدل‌های جدید رشد اقتصادی یکی را انتخاب کنند که برای ایران، اقتصاد دریاپایه می‌تواند مهم‌ترین گزینه این انتخاب باشد. خلیج فارس و تنگه هرمز نه فقط یک مزیت جغرافیایی، بلکه یک ظرفیت راهبردی برای بازسازی اقتصادی کشور هستند و در این میان، پنج جزیره کیش، قشم، هرمز، لاوان و ابوموسی می‌توانند به جایگاه جدیدی در معادلات توسعه ملی دست یابند؛ جاییگاهی که بر پایه تجارت، گردشگری، لجستیک، صنایع دریایی، اقتصاد دانش‌بنیان و انرژی‌های نو تعریف می‌شود.

کیش: دروازه بازگشت سرمایه و گردشگری

در دوران پساجنگ، نخستین نیاز اقتصاد ایران احیای اعتماد سرمایه‌گذاران و فعال‌سازی جریان سرمایه است و جزیره کیش بیش از هر نقطه دیگری ظرفیت ابغای این نقش را دارد و این جزیره طی دهه‌های گذشته زیرساخت‌های اقامتی، فروودگاهی، خدماتی و تجاری قابل توجهی ایجاد کرده و اکنون می‌تواند به سسکوی جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور، شرکت‌های منطقه‌ای و گردشگران خارجی تبدیل شود.

توسعه گردشگری دریایی، راه‌اندازی خطوط کروز منطقه‌ای، ایجاد مراکز مالی بین‌المللی و تبدیل کیش به هاب نمایشگاهی خلیج فارس می‌تواند نقش این جزیره را از یک بازار مصرف داخلی به یک مرکز مبادلات منطقه‌ای ارتقا دهد و در افق توسعه جزیره کیش می‌تواند نخستین نماد بازگشت اقتصاد ایران به مدار تعاملات منطقه‌ای باشد.



قشم: قلب اقتصاد دریاپایه ایران

اگر قرار باشد یک جزیره پرچمدار توسعه پساجنگ ایران باشد، آن جزیره قشم است، وسعت جغرافیایی، مجاورت با تنگه هرمز، برخورداری از منطقه آزاد، ظرفیت صنایع دریایی، شیلات، پتروشیمی، لجستیک و گردشگری طبیعی، مجموعه‌ای کم‌نظیر از مزیت‌ها را در اختیار جزیره قشم قرار داده است و دوران پساجنگ فرصتی است تا قشم از یک منطقه دارای ظرفیت به یک منطقه مولد ثروت تبدیل شود.

توسعه شهرک‌های صنایع دریایی، مراکز تعمیر کشتی، بنادر نسل جدید، پایانه‌های صادراتی، گردشگری ژئوپارک جهانی و صنایع خلاق بومی می‌تواند هزاران فرصت شغلی پایدار برای ساکنان جزیره ایجاد کند و در افق توسعه جزیره قشم توان تبدیل شدن به پاینخت اقتصاد دریاپایه ایران را دارد.

لاوان: گذار از نفت به اقتصاد متنوع

بازسازی اقتصادی آینده نمی‌تواند تنها بر نفت متکی باشد و جزیره لاوان که سال‌ها به عنوان یک پایانه نفتی شناخته شده، اکنون باید برای دوران جدید آماده شود که اقتصاد جهانی به سمت کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی حرکت می‌کند و همین موضوع ضرورت تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی لاوان را دوچندان کرده است.

صنایع دریایی، آبرزی پروری پیشرفته، انرژی خورشیدی و بادی، خدمات فنی و مهندسی دریایی و گردشگری تخصصی می‌توانند مکمل اقتصاد نفتی جزیره شوند که در افق توسعه جزیره لاوان باید از یک جزیره نفتی به یک جزیره انرژی تبدیل شود.

هرمز: پاینخت گردشگری فرهنگی خلیج فارس

هرمز در دوران پساجنگ می‌تواند روایت تازه‌ای از توسعه

ارائه دهد؛ توسعه‌ای مبتنی بر فرهنگ، هنر، محیط زیست و اقتصاد خلاق را به نمایش بگذارد.

خاک‌های رنگین، چشم‌اندازهای زمین‌شناختی کم‌نظیر، معماری بومی و سبک زندگی محلی ظرفیت‌هایی هستند که در بسیاری از کشورهای منطقه وجود ندارند که تجربه جهانی‌نشان می‌دهد که اقتصاد خلاق و گردشگری فرهنگی می‌تواند در آمدی پایدارتر و کم‌هرینه‌تر از بسیاری صنایع سنگین ایجاد کند.

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقامتی سازگار با محیط زیست، اسکله‌های گردشگری و برندینگ بین‌المللی هرمز می‌تواند این جزیره را به یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری خاورمیانه تبدیل کند که در افق توسعه جزیره هرمز می‌تواند به نماد جهانی هویت فرهنگی خلیج فارس بدل شود.

بوموسی: جزیره امنیت و توسعه

در شرایط پساجنگ، امنیت و توسعه دو روی یک سکه هستند، جزیره بوموسی با قرارگیری در یکی از حساس‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی منطقه می‌تواند علاوه بر نقش راهبردی خود، به مرکزی برای فعالیت‌های دریایی، شیلات، خدمات بندری و پایش محیط زیست دریایی تبدیل شود.

توسعه زیرساخت‌های عمومی، ارتقای کیفیت زندگی ساکنان و ایجاد مشوق‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذاری، می‌تواند زمینه تثبیت جمعیت و رونق اقتصادی جزیره را فراهم کند که در افق توسعه جزیره ابوموسی باید از یک نقطه صرفاً راهبردی به یک جامعه پویا و مولد تبدیل شود.

سه اولویت ملی برای جهش جزایر در دوران پساجنگ

حکمرانسی یکپارچه جزایر از بزرگ‌ترین مانع توسعه

«سرآمد» گزارش می‌دهد:

«جزایر خلیج فارس» موتور بازسازی اقتصاد ایران در پساجنگ

اقتصاد دریاپایه و فرصت تاریخی بازآفرینی جنوب ایران

جزایر، که تعدد مراکز تصمیم‌گیری است و با ایجاد مدیریت یکپارچه اقتصاد دریاپایه و کاهش بروکراسی می‌تواند سرعت سرمایه‌گذاری را به شکل محسوسی افزایش دهد.

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دریایی در بنادر نسل جدید، شهرک‌های صنایع دریایی، ناوگان گردشگری دریایی، انرژی‌های تجدیدپذیر و شبکه‌های هوشمند حمل‌ونقل باید در اولویت برنامه‌های بازسازی قرار گیرند.

توسعه زمانی پایدار است که مردم جزایر در مرکز آن قرار داشته باشند و با آموزش نیروی انسانی، حمایت از کارآفرینی بومی، توسعه صنایع دستی، شیلات و گردشگری محلی باید بخش جدایی‌ناپذیر برنامه‌های توسعه باشند.

و در پایان

دوران پساجنگ می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ توسعه جنوب ایران باشد که جزایر خلیج فارس دیگر نباید صرفاً به عنوان نقاطی برای استخراج منابع یا استقرار زیرساخت‌های حاکمیتی دیده شوند؛ آنها می‌توانند موتورهای رشد اقتصادی، مراکز نوآوری دریایی و دروازه‌های اتصال ایران به اقتصاد منطقه باشند.

کیش دروازه سرمایه‌گذاری، قشم قلب اقتصاد دریاپایه، هرمز پاینخت گردشگری فرهنگی، لاوان مرکز انرژی‌های آینده و ابوموسی نماد پیوند امنیت و توسعه در پساجنگ باشند و آینده اقتصاد ایران تا حد زیادی به این پرسش وابسته است که آیا کشور خواهد توانست از ساحل به دریا نگاه کند یا همچنان از دریا تنها به عنوان مرز آبی خود یاد خواهد کرد و در جهان جدید، ثروت در دل دریاست و توسعه از سواحل آغاز می‌شود.

رئیس کل بانک مرکزی عنوان کرد:

۴.۵ میلیارد دلار در جنگ به ذخایر ارزی افزوده شد

معمولاً در سراسر جهان تفاوت نرخ محدودی دارند. از این رو، ما همواره اختلافی معقول را بین این دو نرخ مدنظر داشته‌ایم که در حال حاضر نیز برقرار است و این تفاوت نباید فراتر از ۱۰ درصد باشد؛ در صورت عبور از این میزان، باید مدیریت شده و نرخ‌ها به یکدیگر نزدیک شوند.

وی در ادامه افزود: منظور از یکپارچه‌سازی این است که به هیچ وجه به شرایط گذشته، نرخ‌های دستوری و نرخ‌های ترجیحی باز نخواهیم گشت؛ چراکه تمایلی به اشاعه مجدد رانت و فساد در کشور نداریم، زیرا این عوامل موجب ایجاد رانت، فشار و عدم شفافیت می‌شوند. با تغییر سیاست و پس از اجرای سیاست یکپارچه سازی نرخ ارز، در ماه‌های دی و بهمن سال گذشته شاهد افزایش عرضهٔ ارز بودیم به طوری که در یک ماه این میزان به ۸ میلیارد دلار نیز رسید.

همتی در خصوص مدیریت ارز در شرایط جنگی و چشم‌انداز آینده منابع ارزی کشور، خاطر‌نشان کرد: متأسفانه از اواخر اسفندماه، با آغاز جنگ متجاوزان علیه کشورمان، دچار چالش‌های ارزی شدیم. حتی پیش از انسداد تنگه هرمز و اعمال محاصره، مبادلات ارزی در «مرکز مبادله ارز و طلای ایران» در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته حدود ۳۵ الی ۴۰ درصد کاهش یافت. همچنین صادرات نفت کشور در اردیبهشت‌ماه تقریباً مختل شد و این عوامل فشارهایی را ایجاد کرد اما بانک مرکزی وضعیت را مدیریت کرد.

رئیس کل بانک مرکزی در ادامه تصریح کرد: از ابتدای ایام جنگ تاکنون، موفق به ذخیر‌سازی ۴.۵ میلیارد دلار ارز شده‌ایم و این میزان به ذخایر ارزی کشور افزوده شده است؛ زیرا این پیش‌بینی وجود داشت که ممکن است این جنگ، روزهای طولانی ادامه یابد و تأمین کالاهای اساسی و دارو برای مردم، بالاترین اولویت را برای ما دارا بود. بنابراین، بر اساس اقدامات صورت‌گرفته، سیاست‌های پولی فعلی و تداوم سیاست جدید ارزی، امیدواریم که بتوانیم به تدریج این مدیریت بحران را به مدیریت محور توسعه تبدیل کنیم؛ این امر کاملاً شدنی و امکان‌پذیر است.

وی در پایان ضمن ابراز امیدواری نسبت به نتیجه رسیدن توافق با آمریکا در روزهای آینده، خاطر‌نشان کرد: با ازسرگیری صادرات نفت و گردش مالی منابع خود، شرایط بهتری را رقم می‌زنیم. البته منابع مالی مطرح‌شده، تماماً متعلق به بانک مرکزی است؛ بنابراین تصمیم‌گیری سیاست نحوهٔ استفاده و مصرف آن برسر عهدهٔ بانک مرکزی خواهد بود. این جوه به تدریج و بر اساس ترتیبات اتخاذشده و تجارب گذشته که مبنای ما در مذاکرات بوده است، آزاد شده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت. علاوه بر آن، منابع جدید حاصل از صادرات نفت و همچنین افزایش صادرات غیرنفتی محقق خواهد شد تا بتوانیم روزهای بهتری را در آینده برای مردم عزیز کشورمان رقم بزنیم.